

## راه‌پیر خطر!

❁ دره خطر ناك «تشبيه»

❁ صفات جمال و جلال

❁ تعدد صفات خدا از دریچه فکر ماست.

میتوان گفت تا اینجا هولناکترین برتگاهی را که در سر راه شناسایی «صفات خداوند» خودنمایی میکرد پشت سر گذارده و از آن گذشته‌ایم، و از این به بعد اگر احتیاط و مراقبت لازم را از دست ندهیم امید این می‌رود که از خطر گمراهی در این وادی بیکران مصون بمانیم.

زیرا همان‌طور که در مقاله گذشته گفتیم: نخستین قدم در راه شناسایی «صفات خدا» این است که بدانیم آن ذات مقدس با هیچ چیز شباهت ندارد و هیچ‌یک از موجوداتی که تا کنون دیده‌ایم و شنیده‌ایم نظیر و همانند او نیست؛ با توجه باین حقیقت از دره خطر ناك «تشبيه» سلامت می‌گذریم. بنابراین فعلاً این موضوع را بخوبی میدانیم که قیاس کردن صفات خدا بصفات مخلوقات گوناگون این جهان صدها اشتباه و گمراهی است، ذاتی که از هر جهت نامتناهی و نامحدود است با ذاتی که از تمام جهات محدود و متناهی ابداً قابل سنجش نیست.

اما این نکته را نیز فراموش نکنید که درک این حقیقت اگرچه از نظر علمی و بصورت کلی چندان دشوار نیست، ولی از نظر جنبه‌های عملی خالی از اشکال نمیباشد زیرا بسیار میشود که هنگام مطالعه در جزئیات مطلب و بررسی يك يك صفات خدا عملاً این مطلب را فراموش میکنیم و دچار اشتباه ناخوشدونی «تشبيه و قیاس» میشویم.

روشنتر بگوئیم مقیاسهایی را که ما تا کنون برای سنجش صفات يك موجود ( و عبارت دیگر يك مخلوق) داشته‌ایم و آن عادت کرده‌ایم باید در اینجا بکلی بدور اندازیم و با حقایق تازه و نامأنوس آشنا شویم .

نمیدانم این بحث را بخاطر دارید که هنگام مطالعه در پیرامون جهان بالا، ستارگان و کهکشانها و سیاره‌ها، مجبور بودیم مقیاسهایی را که برای سنجش فاصله‌ها در روی زمین و محیط محدود زندگانی روزانه بکار میبردیم (متر و کیلومتر و ...) بکلی رها ساخته، مقیاسهای جدیدی مانند «سال نوری» ابتکار کنیم یعنی واحد کوچک سنجش آن فواصل عظیم و سراسم آورا مسافتی قرار دهیم که شعاع نور با سرعت «۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه» در مدت يك سال تمام طی میکند. در باب صفات خدا نیز مطلب همینطور، بلکه بدرجات شدیدتر است، زیرا تفاوت فواصل زمینی و آسمانی تفاوت میان وسیم و وسیعتر میباشد؛ اما تفاوت صفات خدا و صفات ممکنات تفاوت میان محدود بشام معنی و نامحدود بشام معنی است!

برای آشنا شدن باین موضوع علاوه بر توجه باصل مطلب تمرین فکری هم لازم است یعنی فکر مادر مسائل مربوط بدرک صفات خدا درست بکودک خردسالی میماند که تازه براه افتاده است، گرچه او از راه رفتن خود بسیار لذت میبرد و فوق العاده خود را سرفراز میبیند اما در عین حال هنوز نمیتواند تعادل خود را بخوبی حفظ کند، و احياناً زمین میخورد و با زبر میخیزد؛ و این وضع را تا تمرین و ممارست زیاد نکند و پاهای او قوت کافی پیدا ننماید ادامه خواهد داد.

شاید از اصرار زیاد ما روی این موضوع ( اجتناب و برهیز مطلق از مقایسه صفات خدا با صفات مخلوقات ) کمی تعجب کنید، اما بعداً بخوبی خواهید دانست که این اصرار کاملاً بجای بوده است؛ و بسیاری از اشتباهاتی که دامنگیر جمعی از مطالعه کنندگان صفات خدا شده از عدم توجه باین قسمت بوده، و کلید حل بسیاری از مشکلات این بحث همین است همین! و با در دست داشتن این «کلید موفقیّت» از بحثهای آینده لذت فراوانی خواهیم برد خود را در اوقتی بمراتب عالیتر از اوقتی که تا کنون در آن سیر میکردیم ایسم خواهیم دید، و عوالم باشکوه و پر ابهت و نشاط انگیزی که فکر انسان را خیره و مهیوت میسازد در جلو عقل جلوه گر خواهد شد.



### صفات جمال و صفات جلال

معمولاً صفات خدا را بدو دسته تقسیم میکنند: صفاتی که جنبه اثبات دارد یعنی ذات خدا آنها را داراست، و صفاتی که کاملاً جنبه نفی دارد و خداوند از آنها منزّه است، قسم نخست را «صفات ثبوتیه» یا «صفات جمال» مینامند، زیرا ذات مقدس او با آنها آراسته است؛ و قسم دوم را «صفات سلبیه» یا «صفات جلال» میگویند، چون ذات اقدس از آنها پیراسته است.

مادربهشای خودنخست بشرح صفات جلال (صفات سلبی) میپردازیم زیرا علاوه بر اینکه درک این صفات برای ما آسانتر است شالوده استدلال بسیاری از صفات جمال (صفات ثبوتی) نیز بر آنها گذارده شده، لذا برای منظم بودن بحث چاره‌ای جز این نداریم بلکه بعقیده بعضی از دانشمندان علم عقاید تمام صفات ثبوتی بازگشت بصفات سلبی میکند یعنی ما از صفات آن ذات بی پایان جز یک سلسله صفاتی که عموماً جنبه منفی دارند چیزی درک نمیکنیم، بنابراین وقتی میگوییم «خداوند داناست» ما از آن چیزی جز این نمیفهمیم که او «نادان نیست» و بهمین ترتیب... ولی بزودی خواهیم دانست که این طرز تفکر هم یک طرز تفکر افراطی و نادرست است و ما از صفات ثبوتی او راستی مفاهیم مثبتی را درک میکنیم.

### تعداد صفات او

اکنون این سؤال پیش میآید که ذات خداوند دارای چند صفت است و تعداد صفات او را از چه طریقی باید بدست آورد؛ پاسخ این سؤال اینست که صفات او از یک نظر بی پایان و نامحدود؛ و از یک نظر دو یک صفت خلاصه میشود، زیرا تمامی صفات ثبوتی او را میتوان در جمله زیر خلاصه کرد: «ذات خدا ذاتی است نامتناهی از هر جهت و دارای تمام کمالات» بنابراین این هر کمالی را فرض کنیم ذات وی آنرا دربردارد؛ علم کمال است ازلیت و ابدیت کمال است، توانایی و قدرت کمال است؛ و بهمین دلیل همه را داراست. در مقابل، صفات سلبی را نیز میتوان در این جمله خلاصه کرد: «ذات خدا از هیچ نظر نقصان ندارد».

یعنی هر چه نشانه نقص و ضعف و عجز و ناتوانی است در آن ذات پاک راه ندارد، مثلاً زمان داشتن (محدود بودن زمان) و مکان داشتن (محدود بودن از نظر مکان) نقص است و ذات او از همه منزّه است.

ولی از یک نظر صفات جمال و جلال او از شماره واحصاء هم بیرون است؛ زیرا هر

نوع کمالی تصور شود برای او ثابت و هر نوع نقصی از او بدور است ، و چون کمالات و نقائص تعداد و شماره معینی ندارد ، وی نهایت کمال و در نقطه مقابل آن بی نهایت نقصان تصور میشود آن ذات پاک یسبایت صفات ثبوتی وی نهایت صفات سلبی دارد . بنا بر این اگر می بینیم دانشمندان خداشناس تعداد معینی از صفات را تحت عنوان « صفات خدا » مورد بحث و مطالعه قرار داده اند منظور آنها ذکر اصول صفات او بوده نه منحصر ساختن صفات او باین اوصاف .

### تعدد صفات از دریچه فکر است

اشتباه بزرگی که ممکن است در اینجا برای بعضی پیش آید و باید کاملاً از آن اجتناب کرد اینست که ممکن است کسی خیال کند که خداوند راستی دارای صفات متعددی است و این صفات همانطور که از نظر مفهوم و معنی ذهنی باهم مختلفند در وجود هم باهم تفاوت دارند ، یعنی وجود صفت « علم » در ذات خداوند با وجود صفت « قدرت » مختلف است ، در حالی که این تصور بتمام معنی باطل و نادرست است و ابداً چنین چیزی نیست .

کسانیکه صفات خدا را بصورت وجودات متعدد پنداشته اند منشأ اشتباه آنها در حقیقت همان مقایسه کردن صفات خدا با صفات مخلوقات بوده است ، زیرا وجود صفت قدرت در ما مثلاً با وجود علم و دانائی فرق دارد ، قدرت در ما بمعنی توانائی تن ؛ است حکام عضلات و نیرومندی اعصاب است و با موضوع علم و دانائی که مربوط بروح و فکر و با مربوط بسلولهای مغزی ماست کاملاً تفاوت دارد .

ولی در ذات خدا این حساب درست نیست و ذات او از هر نظر بکتابت و بسیط است ، حتی تعدد جهات هم در آن « ذات یگانه » راه ندارد . بلکه این تفکیکی که ما میان صفات او قائل میشویم صرفاً از ناحیه طرز تفکر و مطالعات عقلی ماست ، بعبارت ساده تر تعدد و اختلاف در دریچه های دید و ملاحظات ماست .

یعنی ( بایک تشبیه ناقص ) همانطور که ممکن است در عالم طبیعت مایک جسم را از پشت عینک های مختلفی تماشا کنیم و در هر مرتبه بصورت تازه ای در نظر ما جلوه کند ، همچنین هنگامیکه با چشم عقل بآن ذات یکتا مینگریم گاهی از نظر اینکه توانائی بر آفرینش هر چیزی را دارد با نگاه میکنیم و میگوئیم « قادر » است ، زمانی از نظر اینکه تمامی موجودات جهان هستی در پیشگاه او حاضرند و از او پنهان نیستند آن ذات بی مثال را تماشا میکنیم و میگوئیم « دانای » است ، لحظه ای از این دریچه که آن ذات مقدس همیشه بوده و همواره خواهد بود مینگریم و میگوئیم « ازلی و ابدی » است .

خلاصه چون مامعده هستیم و مطالعات مامهم معدود است ناچار هنگام مطالعه صفات آن ذات نامعدود از جنبه های مختلفی اورا مطالعه میکنیم و صفات گوناگونی را عقل مسا بدست میآورد ؛ پس باید صریحاً اعلام کنیم : تعدد صفات او ساخته عقل ماست ! و تمامی این صفات از حقیقت واحدی خبر میدهد ، و عبارت دیگر تمام این مفاهیم مختلف در خارج یک وجود دارند ، یک وجود یگانه از تمام جهات ، و آنهم عین ذات بر پایان اوست البته برای اثبات این حقیقت باین مقدار قناعت نخواهیم کرد و در آینده توضیحات بیشتری خواهیم داد ؛ فعلاً منظور یک یادآوری مقدماتی بود . . . در اینجا این بحث مقدماتی را که مشتمل بر چند تذکر لازم و ابتدایی درباره طرز مطالعه صفات خداوند بود پایان داده و وارد اصل مطلب میشویم .

## تجدید یک خاطره غم انگیز !

بفرارسیدن روز سیزدهم این ماه (شوال) که مصادف با روز « ۲۹ » اسفندماه است بار دیگر خاطره اسف انگیز رحلت بزرگ مرجع جهان تشیع مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی قدس سره در نظرها تجدید میگردد ، جهان اسلام هرگز آن پیشوای عالیقدر روحانی خود را که هزاران اثر زنده از خود بیادگار گذارده است ، و نه تنها با حیات پرافتخار خود خدمات بسیار ارزنده ای به عالم اسلام کرد ، بلکه مراسم فوق العاده با عظمت فوت او نیز جهانی را متوجه اسلام و عظمت آئین تشیع نمود ، هرگز فراموش نخواهد کرد . بمناسبت سر سال رحلت آن پیشوای عالیقدر مراسمی در قم ، در کنار تربت پاکش ، و در شهرستانها برگزار خواهد شد که شرح آنرا در شماره آینده مطالعه خواهید فرمود .

ضمناً بزرگان حوزه علمیه قم افتخار دارند که توانسته اند بمدار رحلت آن پیشوای بزرگ این کانون مقدس علمی و روحانی را با فداکاری مخصوصی بهترین وجهی حفظ کنند . بر هر مسلمان بیداری لازم است که بسهم خود از هر گونه پشتیبانی معنوی و مادی نسبت باین مرکز بزرگ روحانی خود - داری نکند .